

امضای صعود

چرا رویای پیروزی بر آمریکا و صعود محال نیست؟

وقتی لایحه داشتیم، کار را در آورده است. ماعلی قلی زاده را داریم، یک دربی زن خلاق که هم خوب عبور می کند و هم خوب پاس می دهد.

ما رامین رضاییان را داریم که در این جام جهانی گل زدن را به آن ساترهای زیبایش اضافه کرده، ما روزبه چشمی و سعید عزت‌اللهی را داریم که هم شوتزن هستند و هم سرزن. ما میلاد محمدی، احمدنوراللهی، احسان حاج صفی سیدمجید حسینی و مرتضی پورعلی گنجی را داریم

گلرهای مان هم نشان دادند که مطمئن هستند. تازه روی نیمکت هم کلی شگفتانه داریم که می توانند به ما کمک کنند؛ سامان قدوس، علیرضا جهانبخش، کریم انصاری فرد، وحید امیری و ... از همه مهم تر ما کارلوس کی روش را داریم. یک مربی که فنش را قبول داریم و این توانایی را دارد که مربی آمریکا را در شطرنج تاکتیکی مات کند.

با مرور همه این اسم هاست که می توانیم به رویاهای مان اجازه بدهیم تا با تردیدی کمتر، نه تنها به صعود فکر کنیم که حتی به بردن و حتی خوب بردن هم فکر کنیم. درست است که آمریکا تیم خوبی است و مقابل انگلستان نشان داد که خوب می دود و بازیکنان خوبی چون پولیشیچ دارد اما خب ما برای صعود به میدان می رویم، صعودی بی مانند که فقط یک امضا برای تحققش فاصله داریم؛ امضای تیم ملی.

هیچ وقت، هیچ وقت، هیچ وقت، هیچ وقت تا این اندازه به صعود به مرحله دوم جام جهانی نزدیک نبودیم.

شاید برای اولین بار باشد که ماشین حساب در دست نداریم تا ببینیم دیگران باید چه می کنند و ما هم باید چه کنیم، با رسم شکل، حساب و کتاب کنیم، در چه صورتی از گروه خود صعود می کنیم، این بار همه چیز شفاف و روشن است؛ فقط فقط، فقط نباید بازییم... یک مساوی هم ما را به مرحله بعد و بازی با هلند می رساند، دیگر چه چیزی بهتر از این کارلوس کی روش هم که متخصص بستن عقب زمین است و مساوی گرفتن برایش مثل آب خوردن می ماند.

اما چرا باید قانع باشیم؟ چرا نباید به آرزوهای مان پر و بال بدهیم؟ وقتی رویای مان محال نیست و در دسترس است چرا نباید به پیروزی مقابل آمریکا فکر کنیم؟

تیمی که مهدی طارمی را در خط حمله خود دارد و برای هر خط دفاعی در جهان این روزها یک کاپوس شبانه محسوب می شود، خیلی راحت می تواند به گل زدن فکر کند. طارمی تنها نیست، سردار آزمون هم در کنار اوست، بازیکنی که در بوندس لیگا بازی می کند، بازیکنی که همیشه

افشین خمند
گروه ورزش



با مرور اسامی تیم ملی می توانیم به رویاهای مان اجازه بدهیم تا با تردیدی کمتر، نه تنها به صعود فکر کنیم که حتی به بردن و حتی خوب بردن هم فکر کنیم

یادداشت

در جام بمان

همه از بازی با آمریکا حرف می زنند، نه فقط از این جمعه شب که

مشخص شد این بازی چقدر سرنوشت ساز شده برای ما و آنها بلکه از همان روز قرعه کشی جام جهانی داستان این ماجرا آغاز شد. ایران و آمریکا دوباره در جام جهانی به هم خوردند. تکرار بازی قرن این بار در دوحه اما برای من مثل خیلی های دیگر، شیرین تر از اتفاقات بازی امشب، فکر کردن به بازی با هلند است. نه آن قدر بلند پروازانه که در ذهن مان به انتقام شکست ۱۹۷۸ فکر کنیم، اما آنچه آذرنالین خون را بالا می برد همین است که تیم ملی کشورمان را در مصاف با لاله های نازنجی در مرحله یک هشتم نهایی جام جهانی ببینیم. هلندی ها امروز به مصاف قطر می روند و یک برد آسان آنها را در گروه A صدرنشین می کند. با این پیش فرض که انگلیس، ولز را می برد و در گروه ما اول می شود، برد ما مقابل آمریکا یا مساوی در بازی بزرگ امشب، یک حکم را دارد و آن صعود تاریخی تیم ملی به مرحله حذفی جام جهانی است. از اینجا به بعدش را می توان با یک جای پاییزی و یک بیسکویت نیم چاشت در رویاها نوشت. این که ما هم مثل اکوادور، هلند را در وقت های قانونی متوقف کنیم و حتی در ضربات پنالتی با حذف این تیم بزرگ، شگفتی ساز شویم. بعد هم احتمالا

بخوریم به برنده آرنانتین و دانمارک که دوست داریم آرنانتین باشد. دوباره بازی با مسی و یارانش. تا همین جا هم شیرین است. ایران با این تیم، با این سرمربی و با این هواداران پرشور، شایسته این است که مثل کامرون ۱۹۹۰، مثل کرواسی ۱۹۹۸ یا مثل ترکیه ۲۰۰۲ برخی معادلات جام را به نام خودش تغییر دهد و قدم به مراحل بگذارد که تا به حال نگذاشته. درست شبیه قدم زدن روی ماه برای اولین بار.

